

۱۰ شهریور ۱۳۹۵

دو عاقل را نباشد کین و پیکار

احسان ابراهیمی

دکتر حمیدرضا جلالی‌پور اخیراً ناظر به نزاع فکری و حواشی غیرفکری آن که درباره نظریه «رویای رسولانه» دکتر عبدالکریم سروش پیاخته، در نوشتاری با عنوان «نکته هایی درباره گردوغبار در مدرسه نواندیشی دینی (http://zeitoons.com/16546)» در سایت «زیتون» ملاحظاتی را مطرح کرده که به نظر می‌رسد نیازمند کمی شفافیت و توضیح بیشتر است. در سطور آتی می‌کوشم آنچه به نظرم در خور توضیح بیشتر است بیان کنم.

۱- **تفکیک نقد علما و اتهام زنی و افترا:** وی تلاش کرده میان این دو تفکیک قائل شود و دکتر عبدالکریم سروش را به پاسخ‌گویی فرا خواند. نکته مهم و در خور توجهی است، اما اگر تمام نقدها را علما نه مفروض کرد، این تفکیک خالی از خلل نخواهد بود. شیوه اکبر گنجی در رویارویی با دیگران این گونه است. وی در برخورد با شریعتی، آرش نراقی، محسن کدیور و هم اکنون نظریه عبدالکریم سروش، «بولتن‌نویسی» و «پرونده‌سازی» می‌کند. طرفه آن که آرش نراقی درباره نقدهای گنجی بر خود از همین واژه و اصطلاح استفاده کرده، حسن یوسفی اشکوری هم پیش از این درباره نقدهای گنجی بر شریعتی همین اصطلاح «بولتن‌نویسی» را به کار برده است. گنجی، آرش نراقی را هم به آوردن دین جدید متهم کرده بود. گویی ملاک و معیار دین‌داری تنها در دست اکبر گنجی است و اوست که می‌داند کدام نظریه «دین جدید آوردن» است.

آرش نراقی در برخورد با نقدهای گنجی سکوت پیشه کرد و پاسخی نداد. محسن کدیور هم چنین کرده و از پاسخ به نقدهای گنجی امتناع کرده است. دلیلش روشن است. نقدهای گنجی نقد علمی نیست، بولتن‌نویسی و پرونده‌سازی است. نه عبدالکریم سروش و نه هیچ متفکر و اندیشمند دیگری هم نباید به وی اعتنا کند. هم‌ارز دانستن نقدهای گنجی با دیگر نقدهای علما که بر نظریه دکتر سروش وارد شده است بی‌انصافی در حق «نقد» و «ناقد» است. دکتر عبدالکریم سروش هم بنا به آثار متعددش همواره به نقدها توجه داشته و دارد. چاپ دوم کتاب مهم «قبض و بسط تئوریک شریعت» و همین‌طور کتاب «مدارا و مدیریت» همراه با پاسخ‌های وی به مجموعه نقدهای وارده به نظریه است. در طول این سال‌ها هم در مجموعه سخنرانی‌ها و نوشته‌هایش جدا از پاسخ به پرسش حضار، پاسخ‌های مکتوب بر نقدها منتشر کرده و هم‌چنان بر همین رویه نیکو پابرجاست. در مورد اخیر هم پس از گفت‌وگوی تلویزیونی با مهندس عبدالعلی بازرگان، نقد مکتوبی را در نقدهای مجدد مهندس بازرگان منتشر کرد. این رویه و منطق فضای علمی، دقیقه‌ای نیست که دکتر سروش از آن غافل باشد و دکتر جلالی‌پور وی را بدان فرا بخواند. البته دکتر جلالی‌پور خود مطلعند که نظریه‌پرداز تصمیم می‌گیرد به کدام نقد پاسخ دهد یا ندهد. کما اینکه خود دکتر جلالی‌پور هم درباره نقدهایی که به مواضع مطرح می‌شود تصمیم می‌گیرد به کدام یک بپردازد.

۲- **بولتن‌نویسی:** دکتر جلالی‌پور می‌داند که بولتن‌نویسی به چه معناست. قطعه قطعه کردن جملات، خارج کردن متن از ساخت و بافت آن، مفروض گرفتن نتیجه، دخیل کردن عبارات و مسائل غیر معرفتی، فهرست کردن سوابق علمی و غیرعلمی... از جمله ویژگی‌های بولتن‌نویسی است. نویسنده این سطور در نقد یکی از نویسندگان سایت فرهنگ امروز به گوشه‌هایی از این

شیوه پرداخته است. اصطلاح «فرقه سروشیه» طنزی است که میان دکتر ادیب سلطانی و عبدالکریم سروش مطرح بوده و سروش نیز به طنز در جمعی بازگو کرده است. خارج کردن یک اصطلاح طنز از بافتش و تبدیل آن به عنوانی برای نواختن کار و بار علمی سروش جز بولتن نویسی نام دیگری نمی تواند داشته باشد.

این شیوه به درستی «کیهان نویسی» هم نام گرفته است. کما این که یکی از نویسندگان این نوع مواجهه اکبر گنجی را «الهیات کیهانی» نام داده است. شیوه مدیرمسئول هتاک و منفور روزنامه کیهان در برخورد با دیگران، سرمشق بسیاری در مواجهه با افکار و آثار است. هم چنین شیوه او تداعی کننده رفتار رییس دولت نهم و دهم است. بر همگان و از جمله دکتر جلالی پور روشن است که وی دغدغه حقیقت ندارد و لذا کسی در مقام پاسخ گویی محتوایی به او نیست. او به دنبال اهدافی است و شیوه او این چنین است. اساساً در برابر چنین کسانی جز سکوت و بی اعتنایی راه دیگری وجود ندارد.

سابقه حضور گنجی در سپاه هم بر همگان روشن است. خود وی در مصاحبه با عنایت فانی خاطرات فراوانی از دوران حضورش در سپاه بازگو کرده است. حضور وی در سپاه امری نیست که دکتر سروش دباغ برای نخستین بار آشکار کرده باشد. این شیوه و سابقه وی است، هم چنان که در فراز نخست بدان اشاره کردم. وی با علی شریعتی، آرش نراقی و محسن کدیور این گونه برخورد کرده است و با دیگران هم خواهد کرد. افترای «فرقه سازی» و «پیامبر جدید» و موارد غیر معرفتی بسیار که در نوشته های وی پررنگ اند نه ذیل مفهوم «نقد» قرار می گیرد و نه نیازمند توجه و پاسخ. در واقع آرش نراقی و اکبر گنجی می توانستند به جای واژه «فرقه سازی» که بار معنایی منفی دارد از اصطلاحات و عباراتی خنثی مانند «مکتب» یا «مدرسه فکری» استفاده کنند اگر مدعی اند نقدشان محتوایی است. دکتر جلالی پور هم برای اینکه نظرش صائب تر باشد باید میان این دو، تفکیک روشن تری به دست دهد.

۳- نگرانی از نیت خوانی یا نادیده گرفتن نیت غیر معرفتی: جلالی پور نگرانی خود را ناظر به «نیت خوانی» به جای توجه به نقد به درستی اشاره کرده است. اما این نگرانی با توجه به سویه دیگر ماجرا تکمیل می شود. بعضی از «نقدنماها» هم با نیاتی غیر معرفتی و معلل منتشر می شوند و نه نیت صرفاً علمی. بی توجهی به این مهم مآلاً منجر به نیت خوانی خواهد شد. باید دقت کرد کدام نقد برآمده از نیت علمی است و کدام یک مبتنی بر نیت شخصی و غیر معرفتی. همان طور که «نیت خوانی» در مواجهه با نقدها نادرست است، بی توجهی کردن به نیت غیر معرفتی هم به همان اندازه آسیب رسان است. بهتان «ادعای پیامبری» با چه دغدغه حقیقت جویی مطرح شده است؟ این بهتان عظیمی است که تنها برآمده از ذهنی تخریب گر است و گرنه نقد علمی را نیازی به این گونه بهتان زنی ها نیست. هم چنین چندی پیش آرش نراقی در یکی از یادداشت های فیس بوکی ادعا کرده بود که عبدالکریم سروش و محمد مجتهد شبستری برای کسب مخاطب و هوادار چنین نظراتی دارند (نقل به مضمون). این جز مصداق روشن و آشکار نیت خوانی نیست؟ به این گزاره چگونه می توان پاسخ مستدل داد؟ آن چنان که جلالی پور، عبدالکریم سروش را بدان فراخوانده است؟ از این رو یکی دانستن همه نقدها و فراخواندن همه به پاسخ گویی، بی منزلت کردن نقد عالمانه است.

۴- نمونه ملکیان: در جایی از نوشته به روش مصطفی ملکیان در پاسخ گویی به منتقدان اشاره شده است. تجربه شخصی من از مواجهه با نظرات وی متفاوت است. تا کنون دو اثر یکی مقاله و دیگری مصاحبه در نقد آرای مصطفی ملکیان منتشر کرده ام. مقاله ای با عنوان «خطاهای روایت ملکیان از روشن فکری دینی» [۱] در سایت جرس و مصاحبه ام با دکتر سروش دباغ با

عنوان «ملکیان، ذات‌گرایی و نگرش غیرتاریخی» [۲] در سایت صدانت منتشر شده‌اند. تا کنون جناب ملکیان به هیچ کدام از این دو نقد پاسخ نداده‌اند، هر چند من هم با هدف پاسخ‌گویی ایشان نقدها را منتشر نکرده‌ام. حتی ندیده‌ام دوستان و به گفته جلالی‌پور «هواداران» وی به این نقدها هم پاسخی دهند. به نظرم این حق را باید برای همگان محترم دانست که در پاسخ‌گویی حق‌گزینش داشته باشند؛ آن‌چنان که پیشتر اشاره کردم. خوانندگان هم حق انتخاب و تفکر مستقل دارند و نیازی نیست منتظر باشیم هر نقدی با نقدی دیگر پاسخ داده شود. نظرات مختلف در فضای فکری مطرح‌اند و همین برای رونق این فضا کفایت می‌کند.

۵- بی توجهی به اتهامات سهمگین: بهتان «تأسیس دین جدید» و یا «فرقه‌سازی» که هم توسط آرش نراقی و هم اکبر گنجی مطرح شده دارای تبعات سهمگینی است که دکتر جلالی‌پور بدان‌ها آگاهند. جامعه دینی ایران که اکثراً علاقمند و ارادتمند به پیامبر اسلام است و نسبت به حفظ حریم آن بزرگوار حساس، درباره این‌گونه اتهامات واکنش نشان خواهد داد. بی توجهی عجیب دکتر جلالی‌پور به این اتهام ناروا و سهمگین و مخرب و دعوت یک‌جانبه قربانیان این‌گونه اتهامات به پابندی به اصول علمی جای پرسش دارد. به نظر می‌رسد جلالی‌پور بهتر است از اتهام‌زندگان بخواهد نخست بابت این بهتان، عذرخواهی کند و سپس به همگان راه و روش بحث و نقد علمی را گوشزد نماید.

۶- اتهام زنی بی سند: محمد سهیمی که دکتر جلالی‌پور بدان اشاره کرده، مدعی شده است که برخی نوشته‌های فیس بوک سروش دباغ را عبدالکریم سروش نوشته است. [۳] این هم اتهامی بی سند و مدرک است. کسی که اندک آشنایی به سبک و شیوه نگارش عبدالکریم سروش و سروش دباغ داشته باشد متوجه بی اساس و گزافه بودن این تهمت می‌شود. دو اینکه اساساً موضوع می‌تواند برعکس باشد. می‌توان ادعا کرد «نوشته‌های سهیمی که تا دیروز حتی نمی‌دانست روشن‌فکری دینی چیست و درباره انرژی هسته‌ای مقاله‌های بی محتوا می‌نوشت، بسیار رنگ و بوی نوشته‌های اکبر گنجی را دارد و ناگفته پیداست که صدر تا ذیل نوشته‌های طویل وی را اکبر گنجی القاء و انشاء کرده است». ارجاع جلالی‌پور به مطلب محمد سهیمی به این معنا برایم شگفت‌آور بود.

۷- در پایان به ضرورت احتیاط و دقت در به کار بردن القاب در فضای علمی اشاره کنم. صفت «قوی‌ترین» که دکتر جلالی‌پور برای دکتر نراقی و دکتر فنایی به کار برده‌اند به نظرم نیازمند احتیاط بیشتری است. در فضای علمی این‌گونه به کار بردن صفات رایج نیست. دکتر نراقی و دکتر فنایی از جمله اساتید مبرز در علوم انسانی هستند و در حق من استادی‌ها کرده‌اند؛ اما به کار بردن این‌گونه اوصاف تبدیل کار و بار علمی به رتبه‌بندی‌های غیرعلمی است. اندیشمندان همه «قوی»‌اند و کوشندگان راه حقیقت.

دو عاقل را نباشد کین و پیکار

نه دانایی ستیزد با سبکبار

وگر از هر دو جانب جاهلانند

اگر زنجیر باشد بگسلانند

[/http://www.rahesabz.net/story/80680-۱](http://www.rahesabz.net/story/80680-۱)

<http://3danet.ir/article/133261/%D9%85%D8%B5%D8%A7%D8%AD%D8%A8%D9%87-%D8%B3%D8-%D8%B1%D9%88%D8%B4-%D8%AF%D8%A8%D8%A7%D8%BA-%D8%A8%D8%A7-%D8%B9%D9%86%D9%88%D8%A7%D9%86-%C2%AB%D9%85%D9%84%DA%A9%DB%8C%D8%A7%D9%86%D8%9B-%D8%B0%D8%A7%D8%AA%E2%80%8C%DA%AF%D8%B1%D8%A7%DB%8C%DB%8C-%D9%88-%D9%86%DA%AF%D8%B1%D8%B4-%D8%BA%DB%8C%D8%B1%D8%AA%D8%A7%D8%B1%DB%8C%D8%AE%DB%8C% C2%BB>

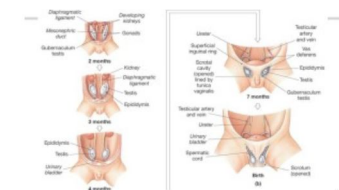
<http://news.gooya.com/politics/archives/2016/08/216406.php>۳

و <http://news.gooya.com/politics/archives/2016/08/216665.php>

اشتراک گذاری این مطلب:

[فیسبوک](http://zeitoons.com/16838?share=facebook&nb=1)
[توییتر](http://zeitoons.com/16838?share=twitter&nb=1)
[چاپ](http://zeitoons.com/16838#print)
[رایانامه](http://zeitoons.com/16838?share=email&nb=1)

مرتبط



[Genital Ducts](http://zeitoons.com/10980) (<http://zeitoons.com/10980>) در «English»

<http://zeitoons.com/3749>

<http://bazargan.com/abdolali/MP3/1b67a.mp3>
این سخنرانی در بنیاد ایمان در لس آنجلس، به تاریخ یکشنبه ۶ مارس ۲۰۱۶ ایراد گردیده است. در «نوا و نما»



<http://zeitoons.com/7009>
عبدالکریم سروش: نظریه رویاهای رسولانه و حرمت قرآن (<http://zeitoons.com/7009>) در «نوا و نما»

[بازگشت به صفحه اول \(/\)](#)



<https://telegram.me/zeitoons>

« [مطلب قبلی](http://zeitoons.com/16835) (<http://zeitoons.com/16835>) »